

ترجمه فارسی
قواعد الاحکام



محمود فاضل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

تألیف علامه حلی متوفای ۷۲۶ هـ.ق. ترجمه محمدبن محمدبن ابی عبدالله

– مدعو – به حاجی در هشتم رجب ۷۲۲ هـ.ق. ،

خطی ، نسخه مدرسه خیراتخان مشهد ، کتابت در سلخ رجب ۸۵۸ هـ.ق.

مؤلف این کتاب شیخ اجل جمال‌الدین ابومنصور حسن بن سدیدالدین یوسف بن علی بن مطهر، معروف به «علامه حلی» می‌باشد، که تاریخ تولد خود را در ۱۹ رمضان ۶۴۸ هـ ذکر نموده^۱، و در محرم ۷۲۶ هـ در نجف اشرف درگذشته است.^۲

او از اعظام علمای شیعه بوده است و در علم و ادب و اخلاق نظیر نداشته و مقامش والاتر از توصیف و همان به که زبان از مدحش فرو بندیم و اعتراف بعجز و قصور خویش از بیان فضیلتش بنمائیم.^۳

علامه حلی علوم نقلی را نزد اساتید بزرگواری همچون دانی خود محقق صاحب شرایع و پدرش شیخ سدیدالدین یوسف و پسرعموی مادرش شیخ نجیب‌الدین یحیی و سیدجلیل جمال‌الدین احمد بن طاوس علوی و سیدرضی‌الدین علی بن طاوس علوی و شیخ میثم بن علی بن میثم بحرانی^۴ فرا گرفته، و در علوم عقلی شاگرد خواجه نصیرالدین طوسی بوده است.^۵

گذشته ازین نزد دانشمندان اهل سنت از قبیل شیخ نجم‌الدین دیران کاتبی قزوینی و شیخ عزالدین فاروقی واسطی تحصیل علم نموده است.^۶

علامه حلی از جمله دانشمندان اسلامی است که بکثرت تألیف و تصنیف مشهور و معروفست و در رشته‌های فقه، اصول، فلسفه، ادب، تفسیر، حدیث، کلام و غیره دارای آثار ارزنده‌ایست، برخی تألیفات او را متجاوز از ۵۰۰ مجلد دانسته‌اند^۷، ولی این گفتار، خالی از اغراق نیست، علامه در یکی از کتابهای خود بتألیفات خویش اشاره کرده و عده‌ای از آنها را یاد نموده^۸، و دیگران بیش از ۹۰ کتاب از او ذکر کرده‌اند.

از جمله آثار گرانبه‌ای علامه حلی کتاب قواعد الاحکام است، که نام او را

خود چنین تعیین فرموده: «قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام»^{۱۰} که از کتب معتبره و معروف فقهی امامیه است و نزد خاصه و عامه شهرتی دارد، و شامل یکدوره کامل فقه می باشد از طهارت تا دیات^{۱۱}، که آنرا بخواهدش فرزندش فخرالمحققین نگاشته، چنانکه خود گوید: «این کتاب قواعد الاحکام است... از برای اجابت کردن التماس کردن دوسترین مردمان بر من و عزیزترین ایشان بامن و او فرزند عزیز منست محمد که من از خدای تعالی درمیخواهم دراز عمری ویرا از بس من...»^{۱۲}.

خوانساری گوید: علامه این کتاب را بمدت بیست سال نگاشته^{۱۳}، و بنقل الذریعه ۶۶۰ مسئله^{۱۴}، و دیگران ۶۶۰۰ فرع از مسائل فقهی را با ترتیبی روشن و منطقی عنوان کرده^{۱۵}، و قواعد احکام و فتاوی خویش را بدون استدلال ذکر کرده، البته عدد مسائل آنرا تا ۱۴۱۰۰ هم نوشته اند.

کتاب قواعد در دو جلد ترتیب یافته که در سال ۶۹۲ یا ۶۹۳ هـ از تألیف آن فراغت حاصل نمود^{۱۶}، جلد اول قواعد مشتمل: کتاب طهارت، کتاب صلواة، کتاب زکواة و خمس، کتاب صوم و اعتکاف، کتاب حج و عمره، کتاب متاجر کتاب دین و رهن و حجر و ضمان و حواله و کفاله و صاچ، کتاب امانات و ودیعه و عاریه و لقطه و جماله، کتاب غصب و شفعه و احياء موات، کتاب اجاره و مزارعه و مساقات و شرکت و قراض و وکالت و سبق و رمایه، کتاب وقوف و عطایا شامل وقف و صدقه و سکنی و هبه و اقرار، کتاب وصایا.

جلد دوم قواعد شامل کتاب نکاح، کتاب فراق، کتاب عتق، کتاب ایمان کتاب صید و ذبائح، کتاب فرائض، کتاب قضاء، کتاب حدود.

عددشروح و حواشی و تعلیقات این کتاب را تا بیست و پنج ذکر کرده اند^{۱۷}، لکن از ترجمه اش یاد نشده جز ترجمه ای که محتشم السلطنه از کتاب تجارة و قضاء و شهادة آن نموده، که آنها هم بسال ۱۳۴۱ هـ ق بچاپ رسیده^{۱۸}.

ترجمه فارسی قواعد:

قدیمی‌ترین ترجمه‌ایکه از کتاب قواعد موجود می‌باشد همین نسخه است که وسیله محمد بن محمد بن ابی‌عبدالله مدعو به -حاجی- در اواخر محرم الحرام ۷۳۲ هـ یعنی شش سال پس از فوت مؤلف بزبان فاخر فارسی درآمده، از مقدمه کتاب چنین فهمیده میشود که قبل ازین، عموی مترجم «زین‌الدین علی بن نجیب‌الدین بعدلی» [کذا] بنقل این کتاب پرداخته، چنانچه در مقدمه این کتاب آمده: «و پیش ازین عم این ضعیف آن پیر عنیف مولا حمید و مرحوم سعید بخیرات قریب و از سیات بعید ملک الزهاد و العباد و مفخر الفضلاء و الصالحین الدین علی بن المرحوم نجیب‌الدین بعدلی رحمه الله تعالی و برکاته علیه و تغمده بمفقرته و جعل نظر عنایته الیه و ابواب مرحمته بین یدیه این کتاب را نقل کرده بود و از کمال فضل و عقل کرده بود اما معانی وی بفهم مستمعان و طالبان کمتر می‌رسید و خاطر هر که آنرا مطالعه میکرد از غایت مشکلی آن بر مید و آن از تمامی فضل و کمال او بود که بر معانی این کتاب نیک واقف بود بدین سبب از روشن گفتن معانی وی دور ۰۰۰۰ پس این بنده مسکین و دل‌زنده مستکین امید بتوفیق خدای و همه اصحاب دارد که عن قریب بنصرة مجیب این کتاب را بروشنترین معنی و شیرین‌ترین فحوی باخر رسیده و جماعتی امیانرا از نادانستن کلام عربی برهاند» .

مترجم در ترجمه این کتاب از شیخ رشیدالدین علی که گویا همان عمویش باشد استمداد جسته، روزها و شبها بخدمتش میرفته و معضلات و مشکلاتش را از او می‌پرسیده، مترجم دارای طبع شعر بوده و تخلص شعری او «حاجی» بوده است، چنانچه گوید:

«... ز حاجتی راجی نظر

چونک می‌بینی فعالش را و میدانی مقال از بهشت و دوزخ خوف و رجا کردم‌رها»^{۱۹}
مترجم را فرزندی بوده بنام «کمال» که در آغاز و انجام کتاب ضمن اشعارش

از او یاد کرده و چنین گوید :

«امیدم بجز بر عطای تو نیست کریم‌ترا عام باشد عطا

کمال مرا هم موفق کنی که تا یابد اندر رهت اهتدا

پس از چهار سطر آمده:

کمالا درین راه مردانه شو که تا جنت‌الخلد باشد ترا»

تاریخ ختم ترجمه هشتم ماه رجب همان سال بوده که مدت هشت ماه میشود، زیرا در ماه محرم شروع به ترجمه کرده، ولی در اشعاری که آخر کتاب دارد گوید «در ظرف ده ماه» ترجمه شده چنانکه گوید :

هشتم ماه رجب تاریخ برسی و دو سال

کین کتاب آمد با آخر خوش بفضل ذوالجلال

مدت ده ماه در وی بحث می‌شد روز و شب

تا شد آخر در چنین ایام بس نیکو مال

بس که این بیچاره اندر نقل او زحمت کشید

تا خدا توفیق بخشید و بدو داد این نوال

حق تعالی قصد این بیچاره میدانده چیست

تا شود روشن حرام امر ایزد از حلال»

سبک نگارش بشیوه نثر عهد مفلول است، بیشتر دارای لغات و ترکیبات عربی می‌باشد، و در مواردی با استعمال کلمات فارسی مبادرت جسته از جمله: «درزی^{۲۰} را آن کفایت باشد که بگوید که از برای من جامه‌ای بدوز و گلیگر^{۲۱} را که از برای من فلان عماره بکند»^{۲۲} «واجرة گرفتن بر ختنه کردن و مداوا کردن و بر بریدن دامفون^{۲۳} یعنی کرچکه^{۲۴} و حجامه»^{۲۵} «مانند آنک حواله کننده را صد من گندم بروی است و او ده اقچه^{۲۶} را بروی حواله کرد درست باشد»^{۲۷} «ثابت بودن خیار است مشتری را میان فسخ کردن بیع و میان انباز شدن با آن سبزی که نوبادید آمد مکاس^{۲۸} کردن بایع که اگر بایع مکاس نکند مشتری را خیار

نباشد»^{۲۹}.

«و در تختها، یعنی درهائی که مانند لوجها^{۳۰} می باشند بر دکانها اشکالست»^{۳۱}
 «دوم شستن روی است بدانچه نام شستن بدان واقع آید... و حد روی از بر رستن
 موی سراسر تابکنارهای مو، زنج بدر از نای و چندانگ انگشت مهین و میانین
 برسد پینها...»^{۳۲}.

و از این قبیل جملات و عبارات و لغات فراوان می توان دید که این مختصر
 را گنجایش ذکر آنها نیست، و بر پژوهشگران زبان پارسی این رسالت سپرده
 شده تا با احیاء این قبیل متون قدیمی، بتقویت زبان فارسی و حفظ آثار دینی
 بیشتر کمک نمایند.

در اینجا تذکر نکته ای لازم است و آن اینکه، در برخی از موارد کلمات
 مرکبی بچشم می خورد که جزئی از آن عربی و جزء دیگر فارسی است از قبیل
 «غایه ترین»^{۳۴} و نظایر اینها.

سخنی درباره خصوصیات این نسخه:

این نسخه بخط نسخ ۲۷ سطری ۲۷×۵/۱۷ می باشد، و دارای ۶۵۲ صفحه
 باندازه ۲۷×۵/۲۵ است، کاتب آن محمود بن علی بن محمود بن علی بن محمد سیستانی
 معروف به «قندهاری» که در سال ۸۵۸ هـ از نگاشتن آن فراغت حاصل
 نمود، این نسخه ما ترجمه جلد اول قواعد است و شامل ترجمه: کتاب طهارت،
 کتاب صاواة، کتاب زکوة و خمس، کتاب صوم و اعتکاف، کتاب حج و عمره،
 کتاب متاجر، کتاب دین شامل مباحث رهن و حجر و ضمان و حواله و کفاله
 و صابح، کتاب امانات مشتمل بر ودیعه و عاریه و لقطه و جعاله، کتاب غصب،
 شفعه و احیاء موات، کتاب اجاره که از مزارعه، مساقات، شرکت، قراض،
 ولایة، سبق و رمایه بحث می کند، کتاب وقوف و عطایا مشتمل بر وقف، صدقه،
 سکنی، هبه، اقرار.

برخی از سطور جمله ای ناویس دارد و جای آن بیاض است، و بعضی از ساقطاً
 متن وسیله کاتب نسخه بارمز «صح» در هامش بنوشته شده، کاغذ دولت آبادی،

عنوان و نشان شنگرف ، صفحه اول کتاب کسراست که شامل خطبه و قسمتی از اشعار مترجم می باشد، در صفحه اول موجود کتاب مهر بیضی شکل بزرگی است که در آن نوشته شده : «وقف نمود بر مدرسه خیر اتخان دوست جلد کتاب و ده جلد کلام الله را که از مدرسه خارج نشود ، نصره الملك ۱۳۰۳» در زیر آن مهر دارد» در یوم چهارشنبه هشتم ماه رمضان المبارک ۱۳۰۴ این کتاب شرح فارسی قواعد علامه داخل عرض شد در کتب موقوفه نصره الملك بجهة طلاب مدرسه خیر اتخان» و مهر «العبد محمد رحیم» را دارد ، و در همین صفحه است : «۱۳۱۱ فی یازدهم ذالقعده بازدید شد» و محمد حسن امضاء کرده .

در صفحه ۴۴۰ نوشته شده : «تاریخ وفات سلطان الاعظم مالک رقاب الامم سلطان شاهرخ بهادر سنه احدى خمسين و ثمانمائه هجرية النبوية» .
و در ذیل آن ماده تاریخ فوق بشعر نگاشته شده .

در حمل چون کرد تحویل از قضاء آسمان	«آفتاب عالم آرای جهان از برج حوت
روز نوروز از سر حشمت فروشد ناگهان	آفتاب دادگستر شاهرخ سلطان دین
سال تاریخ وفات او مضی شد در جهان	رابع عشرین مه ذی الحججه و یوم الأحد

وله :

بشنو که دست داد ازین کار عجب افتاد بعالم همه جا شور و تعب
در رابع عشرین مه ذی الحججه تاریخ وفات شاهرخ رحمت رب (۸۵۰).
در صفحه ۴۴۱ نوشته شده : و ایضاً له :

در سخا و عدل و داد و لطف و خلق و مردمی

شاهرخ سلطان که در ایام بد بی غمی

رابع عشرین ذی الحججه سوی جنّت شتافت

یافت اهل جنّت از تاریخ موتش خرمی (۸۵۰)

حرره العبد الضعیف الی الله الفنی غلام درگه مردان محمدابن علی نوشته
بتاریخ سادس شعبان سنه ثمان و خمسين و ثمانمائه . در هامش صفحه ۶۴۲
نگاشته شده «من مؤلفات مخدوم به نام جلال الدین سترکوب [؟ کذا] رحمه الله» .

درذیل صفحه ۶۴۵ دارد: «شخصی که قبل ازین کتاب داشته در آخر کتاب ملاحظه نمائید که نوشته که در تاریخ اربع و تسعین و ثمانمائه هفت روز به نوروز سلطانی مانده بود که شکوفه پیدا شد حال آنکه در تاریخ ۹۵۰ اول حوت اکثر شکوفه پیدا شد و پنج روز به نوروز سلطانی مانده بود ... حرره العبد عبدالفتاح. درهامش صفحه ۶۴۵ و ۶۴۶ و ۶۴۷ و ۶۴۸ یادداشتهای تاریخی از مدت سلطنت و تاریخ فوت سلطان محمد فرزند تیمور و شاهرخ میرزا تیموری و جهان-شاه و دیگران هست مورخه ۸۹۰ هق .

در آخر نسخه مهر درشتی است که در آن نوشته شده: «لااله الا الله الملك الحق المبين عبده محمد بن عمادالدين» .

ترجمه قواعد دارای جلد تیماج عنابی ضربی دار است بقطع رحلی .



مراجع

- صفحه
- ۱- علامه حلی ، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال ، سنگی ، تهران ۲۵
 - ۲- محدث قمی ، الکنی والالقب ج ۲ ۴۴۴
 - ۳- میرزا محمد باقر خوانساری ، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات ، سنگی ، تهران ۱۷۲
 - ۴- عباس اقبال آشتیانی ، تاریخ مغل ۵۰۷ و ۵۰۸
 - ۵- علامه حلی ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد ، مقدمه ۲
 - ۶- خوانساری ، روضات الجنات ۱۷۷
 - ۷- سید حسن صدر ، تأسیس الشیعه ۳۰۶ و ۳۰۷
 - ۸- علامه حلی ، خلاصة الأقوال ۲۳
 - ۹- اسماعیل پاشا بغدادی ، هدیه العارفين ج ۱ ۲۸۴ و ۲۸۵
 - خوانساری ، روضات الجنات ۱۷۲ تا ۱۷۷
 - ۱۰- علامه حلی ، قواعد الاحکام ، مقدمه ، سنگی ۱
 - ۱۱- فهرست رضوی ج ۵ ۴۷۶
 - ۱۲- حاجی ، محمد بن محمد ، ترجمه قواعد فخری - خطی ۳
 - ۱۳- خوانساری ، روضات الجنات ۱۷۲
 - ۱۴- شیخ آقابزرگ تهرانی ، الذریعه ج ۱۷ و ج ۶ ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۶۹
 - ۱۵- آقای دانش پڑوه ، فهرست دانشگاه ج ۵ ۱۹۶۹
 - فهرست رضوی ج ۵ ۴۷۶
 - ۱۶- فاضل هندی ، بهاء الدین محمد بن حسن اصبهانی ، سنگی ۱۲۷۱ ۲
- هق ، کشف اللثام
- استاد محمد تقی دانش پڑوه فرمایند : تاریخ ختم تألیف جلد اول شب نهم رمضان ۱۲۹۹ هـ . جلد دوم در شب ۲۴ ذیحجه همان سال بود ، رک : فهرست دانشگاه ج ۵ ص ۱۹۶۹

- ۱۷- شیخ آقابزرگ تهرانی ، الذریعه ج ۶ ۱۶۹
- ۱۸- ابن یوسف شیرازی ، فهرست سپهسالار ج ۱ ۴۹۷
- ۱۹- حاجی ، محمد بن محمد ، ترجمه قواعد ، نسخه حاضر ۶۵۰ س ۴
خاقانی گوید :
- جز تیغ کفرسوزش کاذر که دید آتش جز تیر دیده دوزش درزی که دید صرصر
- ۲۰- درزی ، بیای نسبت ، فارسی مرکب از درز معروف یا مخفف
درزنان بمعنی رشته سوزن رک: آندراج ج ۳ ۱۸۲۸
- ۲۱- گلیگر ، بکسر اول و ثانی بتحتانی رسیده و کاف فارسی مفتوح،
گیلکار و بنّارا گویند ، رک: برهان ۱۰۰۲
- ۲۲- حاجی ، محمد بن محمد ، ترجمه قواعد ۴۳۰
- ۲۳- دامغون = سیلعه عربی و بنقل صحاح قددی را گویند که
در بدن ظاهر شود
- ۲۴- کرچکه = همان معنی را دارد .
- ۲۵- حاجی ، محمد بن محمد ، ترجمه قواعد ۴۳۳
- ۲۶- افچه بضم اول بروزن بقچه، علامتی است که درغله زارها و کشت
و زراعت بجهت رمیدن مرغان سازند : رک: برهان قاطع ج ۱ ۱۴۶
- ۲۷- ... ترجمه قواعد ۲۹۷
- ۲۸- مکّاس : بضم اول بروزن قسطاس ، نهایت تأکید و مبالغه کردن را
گویند درکاری و معامله ای - چانه زدن - نزاری قهستانی گوید :
شراب بستن و بی مکّاس نوشیدن نه عذر و رفع و فریب و بهانه آوردن
- رک : برهان ۱۰۹۱
- ۲۹- ... ترجمه قواعد ۱۹۲
- ۳۰- لوج بضم اول و سکون ثانی و جیم کاج را گویند نام درختی باشد که
آنرا بعربی صنوبر نامند ، برهان قاطع ۱۰۴۳

۲۳۱	۳۱ - ... ترجمه قواعد
۱۸	۳۲ - ... همان مدرک
۶	۳۳ - ... همان مدرک
۳۶۶	۳۴ - ... همان مدرک



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی